

از گوشه و کنار

در میدان میوه و تره بار کلید خورد
اجرای استاندارد مدیریت
ایمنی مواد غذایی



مدیر عامل سازمان مدیریت میدان میوه و تره بار شهرداری تهران از آغاز اجرای استاندارد مدیریت ایمنی مواد غذایی در میدان میوه و تره بار خبر داد. سید سعیدراد گفت: همزمان با نهایی شدن برنامه مدیریت ایمنی مواد غذایی تحت استاندارد «ایزو ۲۲۰۰۰» در میدان میوه و تره بار شهید لویسان و سردار جنگل، در تلاش هستیم تا به تدریج استاندارد مذکور را در سایر میدان میوه و تره بار نیز اجرا کنیم. وی با اشاره به این که این استاندارد، الزاماتی را برای سازمان های مذکور ایجاد می کند تا تضمین کند که محصولات ارائه شده از سوی آن آغاری از انواع آلودگی های میکروبی، شیمیایی و فیزیکی است، اظهار داشت: استاندارد «ایزو ۲۲۰۰۰» برنامه مدیریت ایمنی مواد غذایی و به نوعی متضمن امنیت محصول است که در سطح بین المللی برای سازمان های فعال در زنجیره مواد غذایی اجرا می شود. مدیر عامل سازمان مدیریت میدان میوه و تره بار شهرداری تهران با بیان این که این چرخه که از تولید کننده تا مصرف کننده و به اصطلاح «از مزرعه تا سفره» را در بر می گیرد، از مخاطرات فرآورده های غذایی پیشگیری کرده و متضمن سلامت محصول است، تصریح کرد: خود را موظف می دانیم محصولاتی که در میدان و بازارها عرضه می شود، علاوه بر قیمت مناسب، با استاندارد و ایمنی بالا و سلامت و کیفیت مطلوب در اختیار شهروندان قرار گیرد. راد با تاکید بر اینکه امنیت محصول و سلامت غذایی شهروندان یکی از مهم ترین اولویت های این سازمان است، خاطر نشان کرد: افزایش کیفیت، کنترل قیمت و رعایت حقوق شهروندی، سه معیار اصلی مادر جلب رضایتمندی مردم است که استاندارد مدیریت ایمنی مواد غذایی، راهی و ابزاری برای ارتقای کیفی محصولاتی است که در میدان عرضه شده و به مصرف شهروندان می رسد.



دوسوم مراکز درمان اعتیاد
تهران فاقد مجوزند



مدیر عامل انجمن مراکز بهبودی اقامتی استان تهران، بابیان این که صدور مجوز مرکز درمانی اعتیاد در سازمان بهزیستی پروسه و مراحل سختی ندارد، گفت: تعداد مراکز درمان اعتیاد دارای مجوز رسمی، یک سوم مراکز غیر رسمی و بدون مجوز است. یوسف دولتی با بیان این که در استان تهران حدود ۲۰۰ مرکز درمانی و اقامتی دارای مجوز رسمی در حوزه ترک اعتیاد فعالیت می کنند، افزود: سازمان بهزیستی متولی صدور مجوز مراکز درمانی اعتیاد است و با اهتمام به موارد و شرایط مختلف پروسه صدور مجوز مراکز درمان و ترک اعتیاد را پیگیری می کند. وی با بیان این که زمانی یک مرکز درمانی اعتیاد کار خود را به خوبی پیش می برد که تلقی از علم و تجربه را به همراه داشته باشد، اظهار کرد: فعالیت تشکل مراکز بهبودی و اقامتی استان، در زیر مجموعه آن ها تشکل های بهبودی و اقامتی اعتیاد شهرستان دو بال اجرایی قوی برای سازمان بهزیستی هستند. به طوری که سازمان بهزیستی از طریق این دو بال وظیفه نظارتی خود را در مسیر بهتری پیش ببرد. وی با بیان این که صدور مجوز مرکز درمانی اعتیاد در سازمان بهزیستی پروسه و مراحل سختی ندارد، تصریح کرد: اگر یک فرد شرایط احراز سازمان بهزیستی را داشته باشد به راحتی می تواند مجوز رسمی خود را ظرف زمان یک ماهه از آن سازمان دریافت کند. مدیر عامل انجمن مراکز بهبودی اقامتی استان تهران ادامه داد: مراکز دارای مجوزی که نتوانند با تکرر تک های جدید سازمان بهزیستی کار خود را تنظیم کنند، باید مرکز خود را تعطیل کنند. مراکز غیر مجاز ترک اعتیاد توسط افراد قانون گریز اداره می شوند. یک مرکز غیر مجاز ترک اعتیاد می تواند بدون توجه به قوانین موجود تعداد بسیار بیشتری از معاندان را در مرکز خود تحت درمان قرار دهد.

در ایران فرد، هم بالزامات
زندگی مدرن مواجه است
که منظم، قانونمند و عقلانی
بودن را از او طلب می کند و
هم بانهادهای ایدئولوژیک
مواجه است که قصد
دارند در نهایت انسانی
ایدئولوژیک طبق خواسته
خودشان تولید کنند

می کنیم. ما می گردیم و در شما چیزی برای عرضه و کسب توجه پیدا می کنیم. به نظر می رسد که در ایران امروز، رنجی به نام معمولی بودن غلیظ تر از جهان پیشرفته است. در جهان پیشرفته زندگی در دل شهرهای بزرگ، وجود سازمان های عظیم بوروکراتیک و اجرای بندهای مقرر و نظم، به شکلی تهدید کننده فردیت فردند و یکسان سازی یکی از پیامدهای احتمالی آن هاست و به همین دلیل در صحنه اجتماعی تلاش پرتنگی برای احیاء و حفظ «فردیت» به چشم می خورد. ظهور سلیقه های مختلف و متفاوت در همه عرصه های زندگی نظیر افکار، جهان بینی ها، لباس، غذا، چیدمان خانه و غیره پاسخی به همان فشار یکسان سازی و تلاشی برای یکنایی و کاستن از رنجی به نام معمولی بودن است.

در ایران، علاوه بر همه این ها، نهادهای رسمی هم از منطری ایدئولوژیک تمام تلاش خود را برای «یکسان سازی» اعمال می نمایند. در واقع در ایران فرد، هم بالزامات زندگی مدرن مواجه است که منظم، قانونمند و عقلانی بودن را از او طلب می کند و هم با نهادهای ایدئولوژیک مواجه است که قصد دارند در نهایت انسانی ایدئولوژیک طبق خواسته خودشان تولید کنند.

در این شرایط، فردیت از دو جهت مورد تهدید واقع شده است و به همین دلیل، تلاش برای یکنایی، در مقابل فشار برای یکسانی، در ایران غلیظ تر می شود. در جهان، کاربران شبکه های اجتماعی می گویند که من آدم متفاوتی هستم، ولی در ایران این کاربران، هم می گویند که من آدم متفاوتی هستم و هم اصرار دارند بگویند که من آنی نیستم که سیستم ایدئولوژیک تلاش می کند بسازد.

آدم های عجیب و غریب peculiar persons یا خاص persons در شهرهای بزرگ را می توان از این زاویه دید. خلاصه آنکه، تلاش شهر؛ یکسانی و در مقابل تلاش فرد، یکنایی است و این چالش مدام ادامه می یابد.

برخی از متفکران، این ایده زیمل را ادامه دادند. از نظر آنان، در جهان مدرن، رنجی به نام «معمولی بودن» وجود دارد. افراد اصرار دارند تا بگویند که من شبیه آن دیگران انبوه نیستم. من مانند مردم نیستم. من مانند مادر یا پدر سنتی ام نیستم. من چیزی دارم که مرا از دیگران متمایز می کند.

شاید به همین دلیل است که افراد بسیاری خودشان را به آب و آتش می زنند و حتی خارج از ساعات اداری یا کاری شان، برای خودشان سرگرمی یا تفریحی دست و پا می کنند. به کلاسی می روند و به عمد خود را در معرض هنری قرار می دهند چرا که باید چیزی یا بهانه ای برای عرضه یافت و از رنج معمولی بودن کاست. شبکه های اجتماعی این رنج را پررنگ تر کرده اند. افراد باید در معرفی خودشان چیزی بنویسند. «فردیت» باید در صفحات شخصی برجسته باشد.

یکی از کارکردهای
شهرهای بزرگ
«یکسان سازی» است.
ساکنان شهرها عمدتاً
شبیه یکدیگرند. کمتر
عاطفی و بی بیشتر حسابگرند.
دیسپلین (نظم و آداب)
در همه جا حرف نخست را
می زند

من خودم هستم، من متمایزم
در جهان پیشرفته، کمپانی ها این رنج را به خوبی شناسایی کرده و تلاش کرده اند تا برای آن کسب کاری فراهم کنند. در این کشورها «صنعت توجه» attention industry شکل گرفت و «تولید محتوا» برای صفحات شخصی افراد یکی از مشاغل پردرآمد شده است. ما کاری می کنیم که شما دیده شوید. ما کاری می کنیم که شما چیزی برای عرضه داشته باشید. ما برایتان تولید محتوا

و بیش فعالی، اختلالات اضطرابی و شب ادراری می توانند زمینه جویدن ناخن را فراهم کند؛ از اینرو افراد دارای اختلالات ذکر شده بیش از دیگر افراد تمایل به ناخن جویدن دارند.

معمولاً نظریات مختلف روانشناسی درمان های مختلفی برای ترک عادت نادرست «ناخن جویدن» مطرح کرده اند که برخی از آنها همچون رویکرد درمانی روان تحلیلی بر پایه تمرکز بر عواملی که باعث بروز این رفتار نادرست شده، سعی در درمان دارند و برخی دیگر از رویکردها همچون درمان های شناختی-رفتاری بر پایه درمان های شناختی صورت می گیرد و افکار و رفتارهای فردی برای تغییر رفتارهای درست، هدف قرار می گیرند و طی مراحل درمان رفتاری، یک رفتار خاص جایگزین عادت ناخن جویدن می شود.

به عنوان نکته پایانی به والدین توصیه می شود که برای از بین بردن عادت ناخن جویدن کودک خویش از تنبیه، تهدید، استفاده از داروهای تلخ و همچنین پاشیدن فلفل روی انگشتان کودک به شدت اجتناب کنند؛ چرا که این قبیل رفتارها نه تنها موثر

در جهان مدرن، رنجی به نام «معمولی بودن» وجود دارد. افراد اصرار دارند تا بگویند که من شبیه آن دیگران انبوه نیستم. من مانند مردم نیستم. من مانند مادر یا پدر سنتی ام نیستم. من چیزی دارم که مرا از دیگران متمایز می کند. شاید به همین دلیل است که افراد بسیاری خودشان را به آب و آتش می زنند و حتی خارج از ساعات اداری یا کاری شان، برای خودشان سرگرمی یا تفریحی دست و پا می کنند. به کلاسی می روند و به عمد خود را در معرض هنری قرار می دهند.



فردین علیخواه، جامعه شناس

اجتماعی در توصیف خود آورده اند. هدف این نوشته، نه تحقیر، بلکه تحلیل این موضوع است. زیمل، جامعه شناس آلمانی، یکی از ویژگی های زندگی در شهرهای بزرگ را فشار بر فرد برای رفتار عقلانی و حسابگرانه می دانست. در واقع شرایط زندگی در شهرهای بزرگ به گونه ای است که افراد چاره ای جز رفتار عقلانی ندارند. فرد به جای آنکه با قلب به جهان

اطراف اش نگاه کند با مغز نگاه می کند. کیفیت در روابط اجتماعی تبدیل به کمیت می شود و این جریان آبی است که همه را همراه خود می برد. به همین دلیل یکی از کارکردهای شهرهای بزرگ «یکسان سازی» است. ساکنان شهرها عمدتاً شبیه یکدیگرند. کمتر عاطفی و بیشتر حسابگرند. دیسپلین (نظم و آداب) در همه جا حرف نخست را می زند. البته زیمل معتقد بود که

افراد معمولاً در مقابل «قدرت یکسان ساز» شهر مدرن مقاومت می کنند. آن ها نمی گذارند تا جریان آبی است که همه را همراه خود می برد. به همین دلیل یکی از کارکردهای شهرهای بزرگ «یکسان سازی» است. ساکنان شهرها عمدتاً شبیه یکدیگرند. کمتر عاطفی و بیشتر حسابگرند. دیسپلین (نظم و آداب) در همه جا حرف نخست را می زند. البته زیمل معتقد بود که

اختلال ناخن جویدن سن و سال نمی شناسد

من نه خود «می جوم»؛ او مرا «می جود»



فاطمه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

اختلالات عادی ارض کننده است که در کودکان و بزرگسالان مشاهده می شود که به سبب علل و عوامل مختلفی نمود پیدا می کند.

روانشناسان معتقدند ناخن جویدن یکی از اختلالات رفتاری و عاداتی رایج در میان کودکان است که معمولاً از سنین ۴ یا ۵ سالگی شروع می شود، ولی در سنین ۸ تا ۱۲ سالگی به حداکثر شدت خود می رسد. البته شایان ذکر است که جویدن ناخن فقط منحصر به کودکان نیست، بلکه نوجوانان، جوانان و حتی بسیاری از بزرگسالان نیز دچار این عادت هستند. در این میان بسیاری از کودکانی که با این عادت بزرگ می شوند ممکن است تا بزرگسالی و حتی سالخوردگی هم این اختلال را با خود به همراه داشته باشند.

بر اساس پژوهش های روانشناسی می توان گفت «جویدن ناخن» در میان

حتماً شما هم در جمع خانوادگی، یا در میان دوستان و اطرافیان با صحنه هایی از کودکان و بزرگسالانی روبه رو شده اید که ناخن های خود را می جویند، بطوریکه لحظه ای از خوردن ناخن های خویش دست بر دار نیستند. برای این دسته از افراد فرقی نمی کند چه داخل کلاس درس باشند، چه در جمع مهمانی یا اینکه در محل کار و میان همکاران خویش باشند، بدون توجه به حضور افراد پیرامون خویش و همچنین عدم احساس شرم و خجالت در محیط های اجتماعی مختلف به رفتار ناپسند ناخن خوردن ادامه می دهند.

می توان گفت ناخن جویدن یکی از فراوان ترین واکنش های نوروتیک و